

یوسف بینا

نام استاد
سخنی درباره دکتر جلال خالقی مطلق

دکتر جلال خالقی مطلق در جایی گفته است: «در تصحیح شاهنامه معجزه نکردم، شاید در سال‌های بعد نسخهای پیدا شود که بتوان براساس آن شاهنامه بهتری تصحیح کرد؛ با این حال من تمام تلاش خود را انجام دادم تا شاهنامهای قابل قبول ارائه دهم.» این جمله استاد را بگذارید کنار جمله دیگری از او که گفته است: «فردوسی ۳۰۰سال برای نگارش شاهنامه رنج بردو من ۴۰۰سال برای تصحیح و ویرایش آن کار کردم.» وقتی با توجه به این ۲جمله و نیز توجه به اینکه باز بهقول استاد، فردوسی با آفرینش شاهنامه رشته از هم گسیخته ملیت ایرانی را به هم گره زده استست و مهم‌ترین عامل حفظ هویت ایرانی در میان صدهاید حادثه و آشوب زمانه است»، می‌توانیم به اهمیت کار سترگ استاد بزرگی همچون دکتر جلال خالقی مطلق پی ببریم. نه اینکه شاهنامه‌های چاپ‌شده قبلی کاملاً باطل و بلااستفاده باشند، نه اینکه اهمیت شاهکار فردوسی در آن‌ها آشکار نباشد، نه اینکه هویت ایرانی و فرهنگ ملی ما در آن چاپ‌ها خدشه‌دار شده باشد، بلکه مهم این است که وقتی می‌گوییم شاهنامه فردوسی مهم‌ترین سند ادبی و فرهنگی و تاریخی و هویتی ما ایرانی‌هاست، باید به‌عنوان یک ایرانی بتوانیم نسخه چاپ‌شده درست و کامل و بی‌نقصی از آن را بخوانیم تا ببینیم ادبیات و فرهنگ و تاریخ و هویت ما چیست و در چه قالبی جاودانه شده است. تا پیش از آنکه استاد خالقی مطلق شاهنامه فردوسی را نسخه‌شناسی و تصحیح و چاپ کنند، مهم‌ترین چاپ‌های حماسه ملی ایران در خارج از ایران و توسط غیر ایرانی‌ها منتشر شده بود. شاهنامه‌پژوهان انگلیسی در هند، ژول مول فرانسوی در فرانسه، پژوهشگران بنیاد شرق‌شناسی فرهنگستان علوم اتحاد جماهیر شوروی در مسکو و... مهم‌ترین کسانی بودند که درباره نسخه‌های خطی شاهنامه فردوسی پژوهش کردند و حماسه ملی ایرانیان را انتشار دادند. از سوی دیگر، اصیل‌ترین و معتبرترین نسخه‌های خطی شاهنامه فردوسی نیز در کتابخانه‌ها و موزه‌های کشورهای دیگر نگهداری می‌شود و از این رو نام شهر محل نگهداری ضمیمه آن‌ها شده است؛ نسخه فلورانس، نسخه‌های کتابخانه و موزه سلطنتی لندن، نسخه پاریس، نسخه دهلی، نسخه سن‌ژورف لبنان و... شاید سرگذشت غم‌انگیز و پر از غربت نسخه‌های اصیل و معتبر شاهنامه فردوسی در تاریخ کشور ما غریبانه‌تر از سرگذشت ابرمردی است که به‌تنهایی توانست بار بزرگی به‌عنوان نجات فرهنگ و تمدن و هویت یک ملت را بر دوش بکشد و «فردوسی» لقب بگیرد. امروز نیز وقتی به‌فرض نقوش‌های جلال خالقی مطلق در شناختن و شناساندن متن دقیق شاهنامه فردوسی به ایرانیان می‌نگریم، علاوه بر اظهار شگفتی در برابر مجاهدت علمی بی‌نظیر این استاد، باید احترامی به‌بزرگی یک ملت بزرگ به‌وب‌گذاریم، زیرا او در جایگاهی ایستاده است که بخشی از فرهنگ امروز ایرانی مدیون اوست؛ او که در فرض‌نهم گذشته با گردآوری و مطالعه دقیق بیش از ۵۰ه‌نسخه خطی شاهنامه فردوسی و بررسی علمی حدود ۳۰۰هزار بیت منسوب به فردوسی، مهم‌ترین چاپ انتقادی حماسه ملی ایران را منتشر کند و متن پیراسته شاهنامه فردوسی را در معرض نگاه ایرانیان و جهانیان قرار دهد. هیچ پژوهشگری معصوم از خطا و هیچ اثری خالی از خطا نیست و نخواهد بود، اما اگر حتی در آینده پژوهشگران دیگری بیایند و متن پیراسته‌تری از شاهنامه تهیه کنند، باز هم نام استاد خالقی مطلق در تاریخ ایران ماندگار و جایگاه‌والایش در دریف بزرگان این مرزوبوم خواهد بود.

آغازی با رستم و اشکبوس

جلال خالقی مطلق از چگونگی علاقه‌مند شدن خود به شاهنامه می‌گوید



افخمی

امروز ۲۰شهر یور سالروز تولد هشتادوسه سالگی جلال خالقی مطلق، ادیب، پژوهشگر و شاهنامه پژوه ایرانی است. مهم‌ترین دستاورد او، تصحیح شاهنامه فردوسی است که از آن به عنوان معتبرترین نسخه ویرایش شده شاهنامه در جهان یاد می‌شود. خالقی مطلق همچنین عضو هیئت علمی کنگره بین‌المللی هزاره شاهنامه فردوسی و هیئت امنای بنیاد فردوسی است و تا امروز فعالیت‌های پژوهشی زیادی درباره شاهنامه انجام داده‌است. هم‌زمان با هشتادوسه سالگی این شاهنامه‌پژوه، بنیاد فردوسی ویدئویی از او منتشر کرده است که در آن خالقی مطلق از چگونگی علاقه‌مند نشدن خود به ادبیات حماسی و شاهنامه می‌گوید. او در این ویدئو به بزرگ شدنش در تهران اشاره و بیان می‌کند: علاقه من به شعر و ادبیات از همان دبیرستان نمودار بود. به یاد دارم وقتی انشا می‌نوشتم معلم من را به کلاس‌های دیگر می‌برد تا آنجا هم انشایم را بخوانم. این شاهنامه‌پژوه یادآور می‌شود: ما در دبیرستان مروی انجمن ادبی و روزنامه‌ای به نام پیک مروی داشتیم. همچنین آن زمان چندباری به رادیو فرقیم و برنامه اجرا کردیم.

خالقی مطلق درباره چگونگی علاقه‌مند شدنش به شاهنامه نیز توضیح می‌دهد: من یک پسر دایی داشتم که کشتی گیر بود و چندباری قهرمان ایران ششده بود. او در منزل پدربزرگمان که همه آنجا زندگی می‌کردیم کتاب شاهنامه را باز می‌کرد و غالباً داستان رستم و اشکبوس را می‌خواند. من هم در آن کتاب عاشق عکسی بودم که رستم به سمت اشکبوس تیر رها کرده بود.

او می‌گوید: اما جدی شدن علاقه من به شاهنامه زمانی که در اروپا و آلمان بودم آغاز شد. من در رشته‌های شرق‌شناسی، مردم‌شناسی و زبان و ادبیات آلمانی تحصیل می‌کردم که به واسطه رشته ادبیات آلمانی با ادبیات حماسی این کشور آشنا شدم، بعد هم سراغ ادبیات حماسسی دیگر کشورها رفتم. یعنی آشنایی من با ادبیات حماسی با آثار کشورهای دیگر بود اما بعد از آن به سراغ شاهنامه آدمم و تمرکز روی شاهنامه ماند. این شاهنامه پژوه با اشاره به اینکه رساله دکتری‌اش را در زمینه زبان شاهنامه به آلمانی نوشته است خاطرنشان می‌کند: حدود دو سال پیش این رساله به انگلیسی ترجمه شد و الان هم کسانی در تلاش هستند تا آن را به فارسی ترجمه کنند.

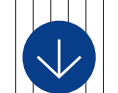
خالقی مطلق درباره تصحیح ش‌اهنامه نیز توضیح می‌دهد: با گرفتن مدرک دکتری، به پسران مطالعه نسخه‌های خطی شاهنامه رفتم و از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ یعنی حدود ۱۰ سال ۴۵ تا ۵۰نسخه را خواندم. بعد از آن تصحیح شاهنامه را شروع کردم. البته در این مدت مقالاتانی هم می‌نوشتم و تحقیقاتم هم در مجلات داخل و خارج ایران منتشر می‌شد.

شهرک

روزنامه شهرامید وزندگی

دشنبه
۲۴ شهریور ۱۳۹۷
۱۴ شهریور ۱۳۹۷
۱۴ شهریور ۱۳۹۷

۱۴



فرهنگ و هنر

مشهد شهر سینماست

گفت‌وگو با فریدون جیرانی
سینما گر مطرح خراسانی
به‌مناسبت روز ملی سینما

غلامرضا روزنی

تقدیر و تحسین

امروز روز ملی «سینما» است. ۲۱ شهریور که از سال ۱۳۷۴ به عنوان روز ملی سینما در تقویم ثبت شده باعث می‌شود کمی عمیق‌تر به رابطه خودمان بسا این هنر بیندیشیم. از آن‌سال‌ها که سینما با سر و شکل اولیه‌اش، سینمافتوگراف، به ایران آمد صد و بیست سال می‌گذرد. ناصرالدین شاه، آورنده نخستین دوربین عکاسی و فیلم‌برداری به ایران، هم‌زمان که از خودش فیلم و عکس می‌گرفته مشتاق بوده آن‌ها را هم تماشا کند. غافل از آنکه چند ده سال بعد سینما، هوادارانی پیدا می‌کند که نفسشان به حیات آن بند می‌شود. قیلا سالن‌های سینماها در روز ملی‌اش برای عموم مردم به صورت رایگان یکلم نمایش می‌دادند. سینماگران برای خودشان جشن می‌گرفتند و خلاصه همه به هر ترتیبی بود شادی‌شان را از داشتن نعمتی به نام سینما ابراز می‌کردند. اما امسال، کرونا، تقریباً به همه چیز سایه انداخته است. نه تولید سینما را به حال خود گذاشته و نه سینما رفتن را برایمان باقی گذاشته است. تازه چند روز پیش سینماها با هزار اما و اگر کر کرده‌شان را بالا کشیدند و تنها با نصف ظرفیت اجازه فعالیت پیدا کردند.

چندی پیش با فریدون جیرانی، سینماگر خراسانی، که او را داتره‌المعارف سینمای ایران می‌نامند، گفت‌وگوی ترتیب دادیم و او درباره مشکلات جهان سینما در دوران کرونا و تغییرات سینماداری و مسائلی از این دست سخن گفت. همچنین خاطراتی از خیابان ارگ مشهدی که پاتوق سینماروهای مشهدی بود گفت که خواندنش برای هر مشهدی می‌تواند جذاب باشد.

جادوی اثر بخش

نگاهی به برخی از آثار سینمایی ماندگار در سه دهه اخیر

تلاش‌هایشان به خلق آثار باشکوهی انجامیده که هر کدام به نحوی بر فرهنگ این سرزمین تاثیر گذاشته‌اند. به پاس تلاش انبوه سینماگران ایرانی در سال‌های متعددی، بیست‌ویکم شهریور به عنوان روز ملی سینما نام‌گذاری شده و اهالی فرهنگ و هنر همه ساله به

با توجه به شرایطی که دامن سینما را هم گرفته، شرایط پیش روی این هنر صنعت را چطور ارزیابی می‌کنید؟

همه دعا می‌کنیم سینماها مثل گذشته فعالیتشان را از سر بگیرند. تاکنون نیز تعطیلی بدی داشته‌ایم. آن چیزی که اهالی سینما را نگران می‌کند و همه اهل قلم باید درباره آن بنویسند حرفه‌هایی هستند که به صورت روزانه و ماهیانه قرار داد داشتند و در این سینما خدمت می‌کردند. در سینما مشاغلی داریم که به این شرایط بیچار شدند و از جیب می‌خورند. این اتفاق سخت است و به‌دنبه سینما لطمه می‌زند. شنیدم که برخی از صاحبان پردیس‌ها و صاحبان سینماها به کارکنان و کارمندانشان گفته‌اند که به آن‌ها حقوق نمی‌دهند و آن‌ها را به ششکایت نزد وزارت کار حواله داده‌اند تا بتوانند از بیمه بیکاری‌شان استفاده کنند. این بسیار تلخ است که برای این دسته از مشاغل سینماها رخ می‌دهد. دولت که پولی ندارد به سینماها کمک کند. این معضل بزرگی است که سینماها با آن روبه‌رو هستند. تماشاخانه‌های تئاتر نیز وضعیت اسفباری دارند اما باز هم کارکنانشان به اندازه سینماها نیست.

آیا برای رفع این مشکل راهکاری نیز می‌توانید پیشنهاد دهید؟

تا سینماها باز نشوند تولید در سینما نیز راه نمی‌افتد. تا تولید در سینما راه نیفتد این اوضاع بحرانی نیز وجود دارد. اتفاقاً این موضوع را در انجمن تهیه‌کنندگان سینما نیز مطرح کردیم. همه متفق‌القول بودند اگر اوضاع تولید در سینما به همین ترتیب جلو برود، عواملی همچون دستیاران تدارکات، تولید، صحنه و لباس، فیلم‌بردار و تصویربردار و همه آن‌هایی که معیشتشان به کار روزانه و ماهیانه وابسته بود است دچار مشکل می‌شوند. تا جایی که حتی برای تأمین مایحتاج روزانه‌شان مشکل داشته باشند. با اینکه بخش‌های اینترنتی فیلم‌های سینمایی آغاز شده، لکن این بخش‌ها نمی‌توانستند آن‌قدر بفروشند تا چرخ بخش تولید سینما را به حرکت بیاورند. حذف

سالن سینما به این سرعت امکان‌پذیر نیست. **با وجود بازگشایی سینماها، آن‌ها چالش دیگری نیز دارند و آن هم مشکلات موجود برای تولید فیلم‌های تازه است.**

بله. تولید سینما در این چندماه تعطیل بوده است. البته سینما نه تنها در ایران که در دنیا با چالش روبه‌روست. ابتدا تمام سالن‌های سینمای جهان با این معضل روبه‌رو هستند. شما ببینید در کشور ما ۱۵۰ سالن سینما به زحمت وجود دارد اما کشورهایی هستند که ۹۰۰، ۸۰۰ سالن سینما دارند که تعطیلند. اقتصاد سینما در حال ورشکستگی است و اگر اقتصاد سینما در جهان ورشکست شود ما با فاجعه روبه‌رو هستیم. نمی‌دانم در مشهد سینماها چطور هستند؟

هم‌زمان با تعطیلی سینماها در سراسر کشور در مشهد نیز سالن‌های سینما تعطیل شدند. چند روزی است که با رعایت شیو‌نامه‌های بهداشتی باز شده‌اند.

خبر دارم که در مشهد چندین سالن جدید راه افتاده است. مجتمع‌های تجاری هم شنیده‌ام به احداث سینما در مجاورت خودشان روی آورده‌اند که این اتفاق خوبی است و فکر می‌کنم مجتمع‌های تجاری دیگر نیز به این کار گرایش پیدا کرده‌اند.

امیدواریم با شرایطی که کرونا برای سینماها به وجود آورده، مدیران مجتمع‌های نو احداث، از تصمیمشان منصرف نشوند.

البته مشهد در همه ادوار شهر سینما رویی بوده است. در مشهد همه سینما می‌فتند. به دلیل موقعیت جغرافیایی که مشهد دارد مکان‌های تفریحی کمتری نیز داشته است که در نتیجه سینما رفتن تنها تفریح مردم مشهد بوده است. فکر می‌کنم پیش از انقلاب ۱۳ تا سالن سینما داشت. البته که الان پردیس‌ها هر کدامشان دارای چند سالن هستند. مثلاً همین پردیس سینمایی هویزه، ۸ سالن دارد. من درباره این سینما شنیده‌ام که حتی در مقایسه با سینماهای تهران سالن‌های مجهز و مدرنی دارد. سینماهای دیگر مشهد نیز در حال توسعه و به‌روزرسانی هستند.

کالت» در مورد تمام این موارد، قدری مناقشه‌برانگیز باشد؛ اما اگر بار معنایی این عبارت را به معنای دقیق و فنی آن مورد مذاقه قرار ندهیم، بیراه نخواهد بود اگر فیلم‌های زیر را کالت‌های سینمای پس از انقلاب ایران قلمداد کنیم. لازم به توضیح است که اول؛ به دلیل کم بودن مجال بحث، از بررسی آثار شاخص سینمای پیش از انقلاب ایران چشم پوشیده‌ایم و دوم، فهرستی که در ادامه می‌آید، صرفاً دارای انتخاب‌هاییس برای ادای احترام هستند و قطعاً آثار دیگری هم می‌توانند در آن قرار بگیرند.



ازان‌س شیشه‌ای
ابراهیم حاتمی‌کیا

در بسیاری از نظرسنجی‌ها عنوان بهترین فیلم تاریخ سینمای ایران به فیلم ماندگار ابراهیم حاتمی‌کیا اختصاص یافته. «ازان‌س شیشه‌ای» با بهره‌گیری از یک فیلم‌نامه اصولی، بازی‌های حیرت‌انگیز چهره‌هایی همچون پرویز پرستویی، حبیب‌رضایی و رضا کبانیان، در کنار کارگردانی درجه یک ابراهیم حاتمی‌کیا، توانست باب شکل تازه‌ای از فیلم‌سازی درباره فاجع قدس را باز کند. بیان صریح نگاه فیلم‌ساز در این فیلم، ضرورت جسارت و موضع‌گیری منطقی را به سینماگران ایرانی یادآوری کرد و پایان تراژیکش حسن‌ختمی بر محتوای کوبنده و اثرگذار این فیلم بود. می‌توان گفت که ماندگاری «ازان‌س شیشه‌ای» را دو عنصر شجاعت و اصالت تضمین کردند، به طوری که مخاطب هر گز از تماشای این فیلم احساس روبه‌رو شدن با یک مانور تبلیغاتی یا اثری مضمون‌زده را پیدا نمی‌کرد.



درباره‌الی
اصغر فرهادی

پرافتخارترین فیلم‌ساز معاصر سینمای ایران، میانه‌های دهه ۸۰ شمسی را برای آغاز تحول خواهمی خود انتخاب کرد و پس از فیلم موفق «چهارشنبه سوری»، با اثر متفاوت و پیچیده‌اش «درباره‌الی»، یک انقلاب فرمی را فرگید در سینمای ایران را بنیان نهاد. «درباره‌الی» که در زمان اکرانش بعضاً با بهت مخاطبان یا نگاه بدبینانه آن‌ها همراه شده بود، بعدتر بانی سبک تازه‌ای از فیلم‌سازی در ایران شد و توجه سینماگران کشورمان را به مسائل اخلاقی و اجتماعی جلب کرد. فرهادی با تاثیرپذیری از سینمای اروپا، بالأخص سینمای ایتالیا و فیلم مشهور «جاده» اثر فردریکو فلینی که به گفته خود فرهادی تاثیر عمیقی بر سبک فیلم‌سازی او گذاشته، به سینمای ایران نشان داد که به‌جز هالیوود الگوهای دیگری هم برای الهام گرفتن وجود دارد. «درباره‌الی» در محتوا هم توانست ساختار دو قطبی خیر و شر را به هم بریزد و سینماگران را به مشکافی موقعیت‌های اخلاقی شخصیت‌های خاکستری و نقد اجتماعی از دریچه تعلیق‌های معروف فرهادی ترغیب کند.



بچه‌های آسمان
مجید مجیدی

نسل پر تعدادی از بچه‌های ایران، نخستین بار در مدرسه با فیلم ماندگار «بچه‌های آسمان» مجید مجیدی آشنا شده‌اند. این فیلم که در ۱۳۷۵ ساخته شد، به واسطه نگاه بومی و محتوای انسانی تاثیرگذارش، پس از مدتی به کتاب‌های درسی راه یافت. «بچه‌های آسمان» که به لحاظ شیوه اجرا یک اثر هنرمندانه و خوش ساخت محسوب می‌شد، بدون استفاده از بازیگران چهره، توانست به محبوبیت برسد. این فیلم در عرصه جهانی هم شروعی بر موفقیت‌های بین‌المللی سینمای ایران بود و توانست برای نخستین بار فیلمی از کشورمان را در اسکار ۱۹۹۸ صاحب نامزد نهایی بخش بهترین فیلم غیرانگلیسی زبان کند. علی‌قهرمان ایرانی و نوجوان این فیلم، یکی از بهترین شخصیت‌های تاریخ سینمای ایران محسوب می‌شود که با پرداخت مناسب در فیلم‌نامه و بازی حیرت‌انگیزی که مجیدی به بهترین نحو از نیاز یگر فیلمش گرفته بود، توانست به یکی از قهرمان‌های بومی سینمای ایران تبدیل شود.



کلاه قرمزی و پسر خاله
ایرج طهماسب

اوایل دهه ۷۰، سینمای ایران با یک اثر ساده و کم‌خرج رنگ شادی و سرور عمومی را به خود دید و ماندگارترین شخصیت‌های عروسکی تاریخ در شرایطی روی پرده نقره‌ای رفتند که سینمای کودک تقریباً تعریف نشده بود. ساختار موزیکال «کلاه قرمزی و پسر خاله» دقیقاً همان چیزی بود که جامعه ایرانی پس از پایان جنگ تحمیلی به آن احتیاج داشت؛ فیلم مفرح و به دور از ابتدالی که راه را برای تبدیل شدن سینما به یک تفریح فرهنگی و خانوادگی هموار کرد. به دلیل نبودن سازوکار دقیق آماری برای فروش فیلم‌ها در آن زمان، اطلاع روشنی از رقم فروش «کلاه قرمزی و پسر خاله» در دست نیست، اما مشاهدات اهالی سینما در آن دوره و تخمین‌هایی که زده می‌شود، حاکی از آن است که این فیلم، به لحاظ تعداد مخاطبان، یکی از پرفروش‌ترین و محبوب‌ترین فیلم‌های تاریخ سینمای ایران بوده است. بدبختانه اهمیتی که ایرج طهماسب در نخستین ساخته سینمایی‌اش برای قشر کودک و نوجوان قائل شده بود، بعدها زیاد جدی گرفته نشد و هنوز هم فقر فیلم‌های خوب سینمای کودک یکی از معضلات سینمای ایران است.



مادر
علی حاتمی

علی حاتمی، کارگردان فقید سینمای ایران، یکی از بهترین آثار خود را در سال ۶۸روانه پرده نقره‌ای کرد. شاعر سینما که در تولید فیلم‌های تاریخی چیره‌دست و کاربلد نشان داده بود، با «مادر» به جهان تازه‌ای سرک کشید و ضمن به ایجاد همگرایی چشمگیر بین سینما و ادبیات، ظرفیت‌های ناشکفته پرده نقره‌ای را به نسل بعدی معرفی کرد. درام «مادر» در آخرین روزهای زندگی مادری شکل می‌گرفت که فرزندانش را دور خود جمع کرده بود تا با جهان فانی وداع کند؛ فرزندانی که هر کدام از یک کماش بودند و شمهای از خصلت انسان زمانه خود را نمایندگی می‌کردند. دیالوگ‌نویسی منحصربه‌فرد «مادر» که خود می‌تواند یک متن ادبی مجزا تلقی شود، بازی‌های بی‌نقص همه بازیگران، دوبله‌های شگفت‌آوری که آخرین شاهکارهای دوبله تاریخ سینمای ایران بودند و مهم‌تر از همه کارگردانی سرشار از فهم سینما توسط علی حاتمی، عواملی بودند که ماندگاری «مادر» و اثرگذاری آن در تحول سینمای ایران را تضمین می‌کردند.



هامون
داریوش مهرجویی

فیلم‌ساز خوش فکر و باسابقه سینمای ایران که تجربه کم‌دی مهم «چاره‌نشین‌ها» و فیلم جاودانه «گاو» را در کارنامه داشت، اواخر دهه ۶۰ با اثری متفاوت و تاثیرگذار به سینما آمد که صفت فیلم کالت(اثر سینمایی عمدتاً خارج از قواعد ژانر که طرفدارانی از قشرهای مختلف یک اجتماع را به خود جذب می‌کند) به معنای واقعی کلمه برازنده آن است. «هامون» در دوران گذار جامعه ایرانی به یک عصر جدید، نماینده جریان روشنفکری در سینمای ایران قلمداد می‌شد و تنهایی و پرتاب‌شدگی شخصیت حمید هامون (با بازی اعجاب‌انگیز مر حوم خسرو شکیبایی) را دستمایه روایت قصه سییال و تأمل برانگیزش قرار داده بود. «هامون» که هنوز هم طرف‌داران پروراقصری در سینما دارد، یک فیلم مترقی است که شکاف بین نگاه‌های مختلف در جامعه ایرانی و درجام مثال حمید هامون را پیش‌بینی می‌کند. دیالوگ ماندگار «این زن حق منه...» هنوز هم جزو خاطره‌انگیزترین جملات سینمای ایران است.